

اندیشه



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- ❖ سرمایه‌گذاری خارجی آری یا نه؟ / دکتر احمد توگلی
- ❖ مالکیت معادن ملی / آیت‌الله عبدالله جوادی آملی
- ❖ نقش دولت در توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره) / ناصر جهانیان
- ❖ مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد / سیدعباس موسویان
- ❖ اسلام و نظام اقتصادی / سیدحسین میرمعزی
- ❖ بهره‌بانگی همان ریاست / یوسف قرضاوی، ترجمه: نصرالله خلیلی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

سرمایه‌گذاری خارجی آری یا نه؟

دکتر احمد توکلی*

مقدمه

ورود و خروج سرمایه‌های خارجی از جهت اقتصادی و سیاسی شایان توجه است. از نظر اقتصادی، اکنون بسیاری از کشورها از سرمایه‌گذاری خارجی یعنی جریان رو به داخل سرمایه استفاده می‌کنند. تقریباً حدود ۸/۳٪ کل سرمایه‌گذاری جهان از این طریق تأمین می‌شود. اگرچه ممکن است این سهم کوچک به نظر برسد ولی به دلیل این‌که معمولاً سرمایه خارجی به شکل مکمل سرمایه داخلی و به قصد انتقال فن‌آوری جذب می‌شود از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. از نظر آثار سیاسی هم برای همه کشورها مهم است؛ زیرا با توجه به نظریه‌های سلطه، این امر باید مورد دقت قرار گیرد. در انقلاب اسلامی از ابتدا روحیه استقلال‌طلبانه و بیگانه‌ستیز وجود داشت. این روحیه ناشی از سابقه تاریخی سلطه‌گرانه در دناکی بود که بیگانگان معمولاً با این ملت داشتند. استقلال اقتصادی چنین تفسیر می‌شد که ما باید برای چیزهای اساسی روی پای خودمان باشیم که یکی از جلوه‌هایش این است که برای آینده از دست‌رنج خودمان سرمایه‌گذاری کنیم.

اکنون نیز با توجه به فضایی که در کشور پیدا شده است، دلایلی که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی ارائه می‌شود بیش‌تر سیاسی است تا اقتصادی. بنابراین اگرچه در ابتدا به لحاظ نظری می‌توان اهمیت موضوع را از دو جهت اقتصادی و سیاسی مورد

* استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

بررسی قرار داد اما در مورد اقتصاد ایران، ادعای ما این است که دفاع از جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیش از آن‌که از جهت اقتصادی موجه باشد، ظاهراً با اهداف سیاسی صورت می‌گیرد. در واقع چنین ادعا می‌شود که گره مشکلات اقتصادی کشور با سرمایه‌گذاری خارجی باز می‌شود، جذب این‌گونه سرمایه‌ها در گرو تغییر روابط سیاسی خارجی است و در رأس تغییرات سیاست خارجی نیز تجدید ارتباط با امریکا قرار دارد. در این مقاله هدف آن است که نشان داده شود:

۱- مؤلفه‌های اصلی مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصادی و داخلی است؛ نه سیاسی خارجی.

۲- وضعیت ایران از جهت اقتصادی و مسائل داخلی برای سرمایه‌گذاری خارجی مساعد نیست.

۳- مشکل اصلی اقتصاد کشور کمبود سرمایه خارجی (ارز) نیست.

۴- اصلاحات داخلی بر مسئله تقویت سرمایه‌گذاری (اعم از داخلی یا خارجی) مقدم است.

۵- تنها برخی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در وضع فعلی عملی، مفید و کم‌خطر است. بر این اساس، پس از شرح دلایل دفاع از سرمایه‌گذاران خارجی، به توضیح انگیزه سرمایه‌گذاران و انواع سرمایه‌گذاری پرداخته، تصویری کمی از وضع موجود جهانی ارائه می‌شود. سپس بحثی نظری در دفاع از این امر برای اقتصاد ایران ارائه و نقد می‌گردد. آن‌گاه به بررسی دلایل مخالفان می‌پردازیم. بررسی عوامل مکانی مؤثر بر جلب سرمایه‌گذاری خارجی و وضعیت ایران در این ارتباط موضوع بعدی است. نوع مناسب سرمایه‌گذاری در وضع فعلی نیز آشکار می‌شود. ارزیابی موقعیت ایران از نگاه مؤسسات ذیربط خارجی و نقد آن در قسمت بعدی ارائه می‌گردد و در پایان به جمع‌بندی مطالب می‌پردازیم.

دلایل ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی

۱- نسبت کار و سرمایه

اگر پی‌گیری رشد و توسعه را امری پذیرفته‌شده بدانیم و عوامل تولید را در شکل

ساده‌اش نیروی کار و سرمایه فرض کنیم، نگاهی به وضعیت این دو عامل در اقتصاد کشور دلیلی بر ضرورت جلب سرمایه خارجی به نظر می‌رسد.

از جهت نیروی کار باید گفت، انتقال بحران رشد جمعیت به بازار عرضه نیروی کار با یک وقفه پانزده تا بیست ساله رخ می‌دهد. با توجه به نرخ رشد بالای جمعیت در اوایل انقلاب و گذشت حدود بیست سال، فزاینده‌ی بیش از حد عرضه نیروی کار و نیز امکان نوع بیکاری قابل پیش‌بینی است. اکنون طبق برآورد کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سالانه به طور متوسط حدود ۷۰۰ - ۸۰۰ هزار نفر نیروی کار جدید به بازار وارد می‌شود. یک تحقیق نسبتاً قابل قبول‌تر، متوسط سالانه نیروی کار جدید متقاضی شغل را تا ۱۳۸۳ بین ۵۸۰ - ۷۳۰ هزار نفر برآورد کرده است.

گرچه در سال‌های اخیر، طی دوران سازندگی، سرمایه‌گذاری روند نسبتاً ثابتی یافته است، ولی طی سالیان پیاپی سهم سرمایه‌گذاری در GDP سیر نزولی داشته است. این شاخص مهم، یعنی نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۵٪ بود، ولی به تدریج به ۱۵٪ کاهش یافته و طی سال‌های ۱۳۷۲ - ۱۳۷۶ بیش از ۱۸٪ بوده و سپس در سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۷۹ به حدود ۱۵٪ بازگشته است. این در حالی است که در کشورهایی نظیر مالزی، چین و کره جنوبی سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی بین ۲۵ - ۳۰٪ می‌باشد. هم‌زمانی سیر نزولی سرمایه و فزاینده‌ی عرضه نیروی کار، هشداردهنده شدت بیکاری و مشکلات خاص حاصل از آن خواهد بود.

کاهش بهره‌وری ثمره دیگر شرایط مزبور می‌باشد. برخی از نظریه‌های رشد مدعی هستند که نسبت کارگر به سرمایه اگر بالا رود بهره‌وری پایین می‌آید. به عبارت دیگر، وقتی این نسبت بالا می‌رود، به طور نسبی سرمایه کم‌تر مصرف می‌شود. پس باید انتظار داشت رقیبان که با استفاده از فن‌آوری و ماشین‌آلات پیشرفته‌تر از بهره‌وری بالاتری برخوردارند، گوی سبقت را در جهت بهره‌وری نیروی انسانی برابند. پس اگر فقط به دنبال تأمین اشتغال باشیم، و به طور متناسب از سرمایه بیش‌تر استفاده نکنیم، از آن‌جا که به روند کاهنده بهره‌وری بی‌توجهی شده، افزایش مقدار محصول نمی‌تواند قابل انتظار باشد. ادعا این است که با شیوه‌های کاربر ممکن است ما مشکل بیکاری را کاهش دهیم، ولی احتمالاً همه را در سطح فقیرانه‌ای مشغول کار می‌کنیم. البته این ادعا در حد یک نظریه مطرح بوده و قابل نقد و بررسی است.

۲- صادرات تک‌محصولی و پرنوسان

در این جا باید به مطلب مهم دیگری توجه داشت. ثبات حرکت یک متغیر می‌تواند در ساماندهی زمینه مناسب برای هر گونه برنامه‌ریزی، نقش به‌سزایی داشته باشد. شرایط حاصل از یک حرکت پرنوسان، توان هر گونه برنامه‌ریزی را از سیاست‌گزاران می‌رباید. به طور کلی، به دلیل افزایش جمعیت و نیز کاهش ارزش واقعی صادرات، صادرات سرانه در کشور، کم شده است. بخش نفتی صادرات به شدت تحت تأثیر عوامل برون‌زا قرار داشته و می‌توان گفت مقدار درآمدهای نفتی از کنترل برنامه‌ریزان کلان خارج می‌باشد. بخش غیر نفتی صادرات نیز دچار نوسان‌های شدید است. در سال‌های سازندگی صادرات نفتی از حدود یک میلیارد دلار افزایش یافت و به $4/8$ میلیارد دلار در سال 1373 رسید و سپس به $2/8$ میلیارد دلار در سال تنزل یافت. این نوسان صادرات، بر واردات اثر کرده و در نتیجه تولیدات متکی به کالاهای سرمایه‌ای وارداتی را نیز مختل می‌سازد. ادعا این است که جذب سرمایه‌گذاری خارجی به رشد و ثبات صادرات نیز کمک می‌کند.

۳- پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خارجی

مقدمه لازم برای رشد، سرمایه‌گذاری است. این عنصر اساسی رشد، نیازمند انباشت سرمایه و پس‌انداز است. جامعه باید بخش مناسبی از تولید ملی خود را کنار بگذارد تا با استفاده از آن در سرمایه‌گذاری، بتواند از درآمد حاصل از آن در آینده استفاده نماید. اما در کشورهای جهان سوم دو دغدغه اساسی در این ارتباط مطرح است: اول این‌که مقدار پس‌اندازی که توسط مردم این کشورها تحقق می‌یابد به اندازه کافی نیست. دیگر این‌که مقدار مزبور از تنوع لازم برخوردار نیست. فرض کنید پس‌انداز فقط به صورت کالا صورت گیرد نه پول. با توجه به توسعه فن‌آوری در جهان برای تأمین رشد، «پس‌انداز کالایی» ما باید درجه‌ای از تنوع و کیفیت بالا را داشته باشد که بتوان با ترکیب مناسب آن‌ها، همگام با جهان رشد کرد. هر یک از محصولات کنونی نتیجه پیوند نهادهای پیشرفته‌ای از جمله نیروی انسانی ماهر و متخصص و سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای پیشرفته می‌باشد که در صورت فقدان برخی از آن‌ها، رشد متناسب دست‌نیافتنی است. جلب سرمایه خارجی برای تکمیل نقص کیفی پس‌انداز داخلی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین سرمایه‌گذاری از جهت راهبردهای گوناگونی چون اشتغال، صادرات و رشد، دارای اهمیت بسیار است. این خلاصه استدلال مدافعان جلب سرمایه‌گذاری خارجی است.

انگیزه صاحبان سرمایه‌های خارجی

هدف سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای دیگر چیست؟ انباشت و تمرکز سرمایه و ثروت در کشورهای صنعتی موجب شده منابع مالی آن‌ها به دنبال بسترهای جدیدی باشد تا بتواند خودش را زاینده‌تر کند. به عبارت دیگر، کوچ سرمایه‌های کلان از مرزهای کشورهای ثروتمند به دلیل دستیابی به بازدهی بیش‌تر صورت می‌پذیرد.

افزایش بازدهی سرمایه وقتی مقدور است که به نقاطی حرکت کند که کمیابی نسبی بیش‌تری دارد و عوامل دیگر تولید به وفور و ارزان قابل دستیابی است. اصرار قدرت‌های صنعتی بر تشدید روند جهانی‌سازی نیز از همین منظر قابل درک است. کنفرانس سیاتل که در پاییز ۱۳۷۸ راجع به دور جدید مذاکرات آزادسازی تجارت جهانی صورت گرفت به دنبال همین بود. یعنی کشورهای صنعتی خواستار آزادی تحرک عوامل تولید و محصول‌اند؛ با این استدلال که این امر باعث انتقال عوامل یا محصول به نقاطی می‌شود که بازدهی یا مطلوبیت بیش‌تر می‌آفریند. به سخن دیگر، کارایی اقتصادی را افزایش می‌دهد.

آن‌چه مورد اعتنا نیست و اتفاقاً شدیداً مورد اعتراض مخالفان در تظاهرات ضد آن کنفرانس بود و در عین حال اعتراض کشورهای جهان سوم را نیز به همراه داشت، آثار توزیع درآمدی و زیست‌محیطی این آزادسازی بود. اعتراض این بود که آزادسازی تحرک عوامل تولید و کالا در وضعیت نابرابری شدید موجود در جهان نتایج اسفباری برای کشورهای فقیر دارد و منافع اصلی آن نصیب کشورهای صنعتی مسلط خواهد شد. اغراض سیاسی سلطه‌طلبانه از این‌جا بیش‌تر آشکار می‌شود که وقتی از تحرک سرمایه به عنوان یک عامل تولید صحبت می‌شود به شدت به دفاع از آزادی می‌پردازند اما بر سر تحرک عامل تولید دیگر، یعنی نیروی انسانی، شدیدترین موانع را ایجاد می‌کنند. در بررسی انگیزه انتقال سرمایه باید به این اغراض سیاسی نیز نظر داشت.

انواع سرمایه‌های خارجی

۱- سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم: در این نوع از سرمایه‌گذاری معمولاً افق بلندمدت

در نظر است و معمولاً کنترل سرمایه در دست سرمایه‌گذار باقی می‌ماند؛ چه در تولید کالا، چه در استخراج منابع یا حتی در تأسیس نهادهای مالی چون شرکت بیمه و بانک و مانند آن.

۲- پورت فولیو (Portfolio): پورت فولیو به فهرستی از فعالیت‌های اقتصادی می‌گویند که یک سرمایه‌گذار برای فرار از خطر، سرمایه خود را به آن مجموعه متنوع اختصاص می‌دهد. این سرمایه‌گذاری از طریق بازار بورس و اوراق بهادار کشورهای میزبان صورت می‌گیرد و به راحتی قابل جابه‌جایی است و افق کوتاه‌مدت را در نظر دارد.

۳- استقراض یا جلب سپرده‌های بانکی: وقتی بانک‌های کشور میزبان بهره بالاتری از نرخ جهانی بدهند، سرمایه‌های خارجی را جذب می‌کنند و بدین ترتیب قدرت وام‌دهی ارزی خود را بالا می‌برند. در این نوع، سرمایه‌داران خصوصی معمولاً دخالتی ندارند؛ گرچه سازمان‌های بین‌المللی معمولاً شروطی قائل می‌شوند. البته قدرت تصمیم‌گیری در مصرف این نوع سرمایه بیشتر به نظر می‌رسد، ولی ساختار نامتجانس و فساد و بی‌ثباتی اقتصادی و وابستگی سیاسی در کشورهای در حال توسعه، این قبیل سرمایه‌ها را به بلای جان آن‌ها تبدیل می‌کند. بحران بدهی‌ها موضوع مشهوری در این باره است.

انواع دیگری از جلب سرمایه خارجی مانند بای‌بک وجود دارد که به نوعی در طبقه‌بندی بالا قابل دسته‌بندی است. از این انواع، سرمایه‌گذاری مستقیم (نوع اول) با وضعیت کشورهای جهان سوم سازگارتر است؛ زیرا این کشورها برای رشد پایدار به سرمایه‌هایی نیاز دارند که افق بلندمدت را لحاظ کنند. بحران ۱۹۹۷ کشورهای جنوب شرقی آسیا بیش‌تر ناشی از فرار سرمایه‌های پورت فولیو بود. این تجربه مؤید ترجیح سرمایه‌گذاری مستقیم است.

صاحبان سرمایه‌های خارجی چه کسانی هستند؟

۵۲ هزار شرکت فراملیتی عهده‌دار سرمایه‌گذاری خارجی هستند. هر کدام از این شرکت‌ها به طور متوسط هشت شرکت اقماری نیز دارند. جدول شماره ۱ کیفیت توزیع این شرکت‌ها را که حدود ۴۵۰ هزار شرکت‌اند، در کشورهای عمده نشان می‌دهد.

جدول ۱: خاستگاه و تعداد شرکت‌های فراملیتی

کشور	تعداد شرکت‌های فراملیتی	تعداد شرکت‌های اقماری
آلمان	۷۲۹۲	۱۱۵۸۱
کره جنوبی	۴۸۰۶	۲۸۷۸
ژاپن	۳۹۶۷	۳۴۰۵
سوئد	۳۶۵۰	۵۳۷۱
امریکا	۳۴۷۰	۱۷۶۰۸
سوئیس	۳۰۰۰	۴۰۰۰

ماخذ: Unctad

وضعیت کنونی سرمایه‌های خارجی

خصوصیات زیر، وضعیت کنونی سرمایه‌های خارجی را ترسیم می‌نماید:

- ۱- مثلث اروپا، امریکا و ژاپن مقر اصلی ۹۰٪ شرکت‌های فراملیتی‌اند.
- ۲- ۲۵ شرکت فراملیتی در امریکا ۵۰٪ سرمایه‌گذاری خارجی این کشور را انجام می‌دهند و ۶۰٪ سرمایه پورت فولیو، از سه کشور امریکا (۳۵٪)، انگلستان (۱۵٪) ژاپن (۱۱٪)، به کشورهای در حال توسعه جریان دارد.
- ۳- کل سرمایه خارجی به صورت جریان ورودی Inward Flow در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ به ترتیب ۳/۰۶۵ و ۳/۴۵۶ تریلیون دلار بود^۱ و برای سال ۱۹۹۹، حدود ۴ تریلیون تخمین زده می‌شود.
- ۴- هر واحد همبسته ۲۴ میلیون دلار دارایی و به طور متوسط سالانه ۲۰ میلیون دلار فروش داشته است. جمع فروش آن‌ها در ۱۹۹۹ مبلغ ۱۰ تریلیون دلار بوده است. این مبلغ را با کل صادرات جهانی که ۶/۶ تریلیون دلار است، مقایسه کنید.
- ۵- رشد دارایی واحدهای اقماری شرکت‌های فراملی در سال ۱۹۹۸ مبلغ ۸/۴ تریلیون دلار بوده و از رشد تشکیل سرمایه جهان پیشی گرفته است.
- ۶- برآورد می‌شود که ۷۰٪ پرداخت برای دانش فنی در جهان بین شرکت‌های مادر فراملیتی و واحدهای اقماری صورت می‌گیرد؛ یعنی انتقال فن‌آوری بیش‌تر در داخل خود این شرکت‌ها است.

خالص جریان ورودی (Net inflow) برای سال‌های منتخب در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ورود سرمایه در سال‌های منتخب

سال	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۶	۱۹۹۸
خالص جریان ورودی (میلیارد ریال)	۹/۱۵	۲۳/۳	۵۰/۷	۵۲/۷	۱۹۲	۳۲۰	۴۳۵

مأخذ: IFS, 1998

اقتصاد ایران و انواع سرمایه‌گذاری‌های خارجی

سرمایه‌گذاری از نوع پورت فولیو در ایران در حد صفر است و دولت نیز به دنبال آن نیست، بلکه به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. از این رو توجه خود را به این نوع سرمایه‌گذاری اختصاص می‌دهیم. سرمایه‌گذاری خارجی زمانی از نوع مستقیم محسوب می‌شود که شرکت سرمایه‌گذار به تأسیس کارخانه‌ای اقدام بکند که مطابق شاخص‌های امریکا حداقل ۱۰٪ از سهام آن کارخانه را به خود اختصاص دهد. این مقدار در اروپا در سطح ۲۵٪ معین شده است. در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی صورت گیرد، عرضه سرمایه در اقتصاد داخلی بیش‌تر شده و با فرض ثبات تقاضا برای سرمایه، می‌توان پیش‌بینی نمود که قیمت عامل سرمایه پایین خواهد آمد. بنابراین در چهارچوب اقتصاد خرد، قیمت برای شرکتی که سرمایه خارجی را کسب می‌کند پایین خواهد آمد.

اما در سطح کلان، در اقتصاد چه می‌گذرد؟ از آن‌جا که ما از نیروی کار فراوان برخورداریم، ایجاد زمینه‌های اشتغال و کاهش بیکاری موجود، رشد فن‌آوری و حذف شکاف پس‌انداز از اثرات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی شمرده شده است. کارخانه‌دار با روش‌های جدید مدیریت و تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پیچیده‌تر آشنا می‌شود. از طرف دیگر بر مقدار درآمد مالیاتی دولت افزوده شده، صادرات افزایش می‌یابد؛ زیرا هدف بسیاری از شرکت‌های مزبور دستیابی به بازارهای منطقه است. در توجیه لزوم سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل دیگری که جنبه سیاسی نیز دارد توسل شده است. گفته می‌شود جذب سرمایه‌گذاری خارجی جلوه خوشایندی از کشور جذب‌کننده که حاکی از اعتبار و اعتماد می‌باشد، به نمایش می‌گذارد. افزایش اعتبار جهانی ثمره‌ای است که چشم طرفداران سرمایه‌گذاری خارجی را به خود دوخته است.

مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

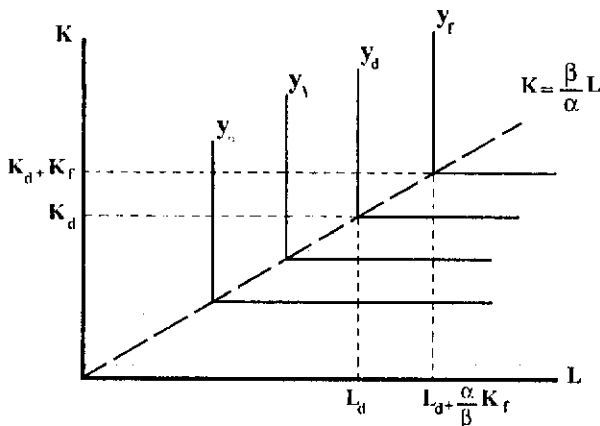
به طور کلی نظریه‌پردازان اقتصادی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مزایای زیر را بر شمرده‌اند:

- ۱- افزایش کارایی ساختاری شرکت‌های دارای شریک خارجی
- ۲- کاهش هزینه سرمایه
- ۳- افزایش ارزش سهام این شرکت‌ها
- ۴- تشویق اشتغال سایر نهادهای تولید (به ویژه نیروی کار)
- ۵- ارتقای فن‌آوری
- ۶- پرکردن شکاف پس‌انداز
- ۷- افزایش قدرت مالیات‌گیری بالقوه دولت میزبان
- ۸- افزایش صادرات و از آن طریق ارتقای سطح اقتصادی، اشتغال و فن‌آوری
- ۹- افزایش اعتبار جهانی
- ۱۰- افزایش بهره‌وری نیروی کار

سرمایه‌گذاری خارجی و تابع تولید مناسب

طرفداران سرمایه‌گذاری خارجی به ارائه یک مدل تابع تولیدی با ضرایب ثابت تمسک جستنه‌اند که در آن همواره سرمایه و نیروی کار باید ترکیب خاص و معینی داشته باشند. شکل ذیل چنین تابع تولیدی را به نمایش گذاشته است:

شکل ۱: تابع تولید با ضرایب ثابت

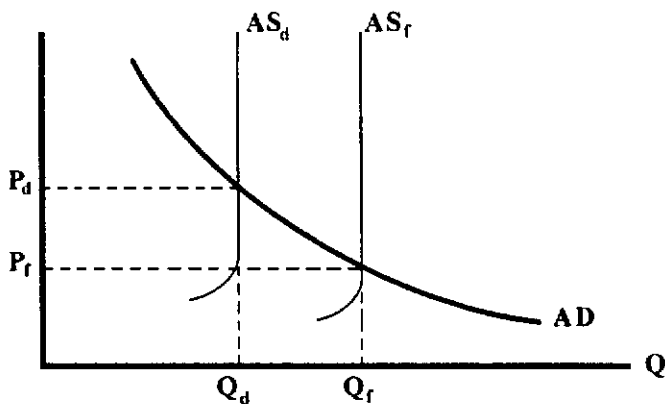


نمودار ۱ مربوط به تابع تولید با ضرایب ثابت می‌باشد که به صورت $Y = \min \left\{ \frac{K}{\alpha}, \frac{L}{\beta} \right\}$ مشخص شده و خطی که از مینیمم‌های این سری توابع می‌گذارد، دارای معادله $K = \frac{\beta}{\alpha} L$ است. مقدار تولید مربوط به هر یک از منحنی‌های مزبور به صورت Y_i تعیین شده است. فرض کنید که در ابتدا بر روی مینیمم Y_d باشیم؛ یعنی برای تولید Y_d ترکیب (L_d, K_d) کافی است. اما اگر اقتصاد از فراوانی نیروی کار به اندازه $K_f \frac{\alpha}{\beta}$ برخوردار باشد، در این صورت اگر بتوان به مقدار K_f از سرمایه خارجی را جذب نمود، امکان رفتن به منحنی تولید Y_f میسر می‌گردد. بنابراین جذب سرمایه‌های خارجی موجب می‌شود که تابع تولید انتقال یافته و مقدار تولید افزایش یابد.

سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال منحنی عرضه کل

اکنون باید دید که فرایند سرمایه‌گذاری خارجی چگونه ادامه می‌یابد؟ در شکل ۲ این روند به نمایش گذاشته شده است. چنان‌که ملاحظه می‌گردد منحنی عرضه AS_d کاملاً بی‌کشش است؛ یعنی اگر ما بخواهیم تولید را بالا ببریم باید قیمت‌های خیلی بالا را تحمل کنیم. طرفداران لزوم جذب سرمایه‌گذاری خارجی این‌گونه استدلال می‌نمایند که پیش از ورود این سرمایه‌ها اقتصاد به اندازه Q_d تولید نموده و با قیمت P_d عرضه می‌شود. اما با ورود سرمایه خارجی، منحنی عرضه منتقل شده و در موقعیت AS_f قرار می‌گیرد بنابراین بر تولید افزوده شده و قیمت‌ها نیز کاهش می‌یابد.

شکل ۲: روند سرمایه‌گذاری خارجی



البته مدل‌های ارائه شده تناسب زیادی با کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران ندارد. در تابع تولید با مقیاس ثابت فرض آن است که سرمایه جدید با همان نسبت ثابت قبلی با نیروی کار ترکیب می‌شود؛ در حالی که در جلب سرمایه خارجی ارتقای فن‌آوری داخلی یکی از اهداف مهم است. فن‌آوری جدید با نسبت کم‌تری نیروی کار می‌خواهد. حتی ممکن است تولید بیش‌تر، با کاهش شاغلان کل همراه گردد. مدل شکل ۲ نیز بر فرض اشتغال کامل سرمایه استوار است. وقتی در کنار نیروی کار مازاد، سرمایه داخلی مازاد هم داریم (مثل ایران) و تنگناها مانع افزایش تولید است، باید رفع آن‌ها صورت گیرد تا انتقال منحنی از حالت AS_f به AS_f مقدور شود و این کار همان‌طور که ممکن است با سرمایه خارجی صورت گیرد با سرمایه داخلی نیز امکان‌پذیر است.

انتقال سرمایه و نظریه‌های مربوط به آن

باید اذعان نمود، به سختی می‌توان به نظریهٔ جامعی دسترسی پیدا کرد که عهده‌دار توضیح چگونگی انتقال سرمایه و اثرات توزیعی آن و دیگر وجوه پدیدهٔ سرمایه‌گذاری خارجی باشد. نظریه‌های متفاوتی که اکنون در این باره وجود دارد، هر کدام به جنبهٔ خاصی از آن پرداخته‌اند. در مورد انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که در این جا به سه مورد زیر می‌پردازیم:

- تحکیم مالکیت (Ownership)

- داخلی‌ت (Internalization) کنترل و حفظ فن‌آوری شرکت، شبکه

بازاریابی و کیفیت کالا

- مکان (Location) یا کسب شرایط مناسب

الف - تحکیم مالکیت: در گذشته به این مورد اشاره شد که گاهی صاحبان سرمایه احساس می‌کنند با پراکندن سرمایه‌های خود، در حفظ آن‌ها اطمینان بیش‌تری را می‌توانند کسب نمایند.

ب - داخلی کردن فعالیت‌های اقتصادی: ممکن است یک شرکت فراملیتی مادر، جهت حفظ فن‌آوری خود و فرار از بعضی فشارهای قانونی موجود در یک کشور، سرمایه خود را تقسیم نماید. به طور نمونه، ممکن است این شرکت در سه کشور مختلف به ساختن سه کارخانهٔ میل‌لنگ سازی، رادیوسازی و اتومبیل سازی اقدام کند که اگر فرض شود نرخ

مالیات بر سود در کشوری که کارخانه اتومبیل‌سازی در آن وجود دارد، زیاد باشد، شرکت پس از تولید میل‌لنگ در کشور دیگری، آن‌ها را با قیمت گزاف به کارخانه اتومبیل‌سازی می‌فروشد و با بالا جلوه‌دادن هزینه از مقدار مطلق ظاهری سود اتومبیل‌سازی کاسته می‌شود و به این ترتیب امکان فرار از مالیات برای صاحبان سرمایه به وجود می‌آید. بنابراین، با پیمودن این راه سود حقیقی آن‌ها به مراتب افزوده می‌شود.

ج- کسب شرایط مناسب: شرکت‌های فراملیتی دارای اهداف گوناگون چون یافتن بازارهای جدید، دستیابی به منابع، افزایش کارایی یا جلب دارایی‌های بیش‌تر و مانند آن هستند. وجود شرایط مناسب در کشورهای دیگر زمینه‌ای برای تحقق اهداف مزبور به وجود آورده و انگیزه شدیدی را برای انتقال سرمایه سازمان می‌دهد. از مجموعه این شرایط تحت عنوان «مکان» یاد می‌کند.

دلایل مخالفت با سرمایه‌گذاری خارجی

در مقابل مزایای یاد شده، مضراتی نیز برای سرمایه‌گذاری خارجی شمرده شده، یا حصول منفعت انکار شده است:

۱- با ورود این سرمایه‌گذاری‌ها واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای فزونی می‌یابد. به همین دلیل اقتصاد دچار کسری حساب جاری و در نتیجه نقصان تراز پرداخت‌ها می‌گردد. بنابراین حرکت سرمایه‌های خارجی، نوسانات زیادی بر تراز پرداخت‌ها تحمیل می‌کند.

۲- عرضه پول داخلی نیز با ورود سرمایه‌های خارجی فزونی و با خروج آن به یکباره کاهش می‌یابد. البته بانک مرکزی موظف است که این نوسانات را با ابزارهای پولی کنترل نماید، اما در عمل این کنترل در همه موارد مقدور نیست.

۳- ثبات نرخ ارز نیز در جریان ورود و خروج سرمایه به شدت آسیب می‌بیند. تجربه مکزیک در سال ۱۹۹۴ و نیز کشورهای جنوب شرقی آسیا و تایلند در سال ۱۹۹۷ برای این مطلب گواه مناسبی است.

۴- از طرف دیگر بسیاری از این شرکت‌ها مدعی‌اند قسمتی از سود حاصل از فروش خود را به سرمایه‌گذاری مجدد اختصاص خواهند داد. اما این معمولاً عمل نمی‌شود.

۵- ناکارابودن بازارهای مالی موجب می‌شود که سرمایه‌گذاران خارجی در بازار مالی

دخالت نموده و اقدام به اخذ بهره‌های بالا نمایند و امتیازات مالیاتی، کمک‌های دولتی، خدمات ارزان یا زمین ارزان را طلب نموده و این امتیاز خواهی را بر اقتصاد داخلی تحمیل نمایند.

۶- با کسب این امتیازات، نسبت به شرکت‌های داخلی قدرت برتر خواهند یافت و رقابت را در اقتصاد داخلی کم خواهند کرد.

۷- در انتقال فن آوری نیز بسیار محتاطانه عمل می‌شود؛ قبلاً گفته شد که ۷۰٪ خرید و فروش فن آوری بین شرکت‌های بزرگ مادر صورت می‌گیرد.

۸- در واقع چنین شرایط مناسبی برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی نوعی انحصار ایجاد کرده و به حذف رقیبان داخلی منجر می‌گردد.

۹- عدم سازگاری تولیدات با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور میزبان یکی دیگر از دغدغه‌های بحران‌زا است. تأثیرپذیری الگوی تولید و الگوی مصرف و پیدایش طبقات جدید وابسته به خارجیان که دارای رفتار ناهمگونی با اجتماع هستند، همگی از آثار سوء سرمایه‌گذاری خارجی حکایت دارند.

۱۰- تعقیب اهداف سیاسی و تحکیم قدرت در پناه توسل به فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند هدف عمده شرکت‌های فراملیتی یا دولت‌های آن‌ها باشد.

زیان‌های سرمایه‌گذاری خارجی

به طور کلی می‌توان معایب سرمایه‌گذاری خارجی را چنین برشمرد:

۱- انتظار بازده گزاف

۲- افزایش واردات - بدتر شدن حساب جاری تراز پرداخت‌ها در ابتدای کار

۳- ورود و خروج متعاقب سرمایه و اثر نامطلوب بر حساب سرمایه تراز پرداخت‌ها

۴- افزایش حجم پول داخلی در موقع ورود و کاهش آن در موقع خروج (در صورت

عدم دخالت بانک مرکزی)

۵- نوسانات نرخ ارز در جریان ورود و خروج ناگهانی

۶- اجتناب شرکت‌های مهمان از سرمایه‌گذاری مجدد در صورت کم‌ترین تغییر

وضعیت

۷- اخذ بهره بالا در بازار داخلی که معمولاً نظام رسمی کارا ندارد.

- ۸- امتیازخواهی (مالیاتی، کمک‌های سرمایه‌گذاری، زمین، خدمات دولتی) و ترجیح یافتن نسبت به رقبای داخلی
- ۹- اعمال روش انتقال قیمت (Transfer Pricing) برای فرار مالیاتی
- ۱۰- انحصار و حذف رقیبان داخلی
- ۱۱- خست در انتقال فن‌آوری و مهارت‌ها
- ۱۲- استفاده از فن‌آوری قدیمی و ماشین‌آلات دست دوم به ویژه در تولید برای بازار داخلی
- ۱۳- تولید کالای نامناسب از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی کشور میزبان و اثر منفی بر الگوی تولید و مصرف
- ۱۴- استثمار عوامل تولید (کارگر، منابع طبیعی و سرمایه داخلی)
- ۱۵- تشدید نابرابری درآمد، با ایجاد یک طبقه وابسته به خارجی
- ۱۶- وارد کردن فرهنگ بیگانه
- ۱۷- استفاده احتمالی از قدرت اقتصادی برای جهت‌دهی به سیاست (مانند شیلی در زمان آلنده)

ساختار گرایان و مخالفت با سرمایه‌گذاری خارجی

اقتصاددانان ساختارگرا از جمله کسانی هستند که به دلایل فوق، مخالف ورود سرمایه‌گذاران خارجی‌اند. کشورهای امریکای لاتین، محل پیدایش این نظریه، از بلایای این موهبت خارجیان بی‌نصیب نماند. این گروه اشکال دیگری را نیز مطرح می‌کنند: صاحبان سرمایه‌گذاری، هم سود بازرگانی و هم سود سهام را به سوی کشورهای خود باز می‌گردانند، بنابراین جریان سرمایه به نفع کشورهای جهان سوم تمام نمی‌شود. به عبارت دیگر، در بلندمدت جریان ارزی برای کشور میزبان منفی است. شاهد بر این مدعا بحران بدهی‌ها است که هر از چندگاهی کشوری از کشورهای مزبور در ورطه هولناک آن دست و پا می‌زند.

جدول ۳ بهره‌پرداختی بابت سرمایه‌های دریافتی در کشورهای در حال توسعه را طی دوره ده ساله نشان می‌دهد. متوسط بهره‌پرداختی در ۱۹۹۸ - ۱۹۸۹ مبلغ سالانه ۹۳/۷ میلیارد دلار شده است. این مبلغ علاوه بر مبالغی است که باید بابت اصل وام‌ها بازپرداخت

کنند. کل جریان سرمايه خصوصي ورودی به این کشورها طی ۱۹۹۵ - ۱۹۸۹ به طور متوسط سالانه ۱۰۳/۳ میلیارد دلار بوده است. اگر جریان سرمايه رسمي ورودی به این کشورها را که طی همین دوره به طور متوسط سالانه ۲۱/۲ میلیارد دلار بوده به آن اضافه کنیم، ۱۲۴/۵ میلیارد دلار می‌شود. مقایسه این رقم با بهره متوسط پرداختی ۹۳/۷ میلیارد دلار، حاکی از آن است که این کشورها مرتب وام یا سرمايه قبول می‌کنند تا بتوانند بهره وام‌های قبلی را بردارند.

جدول ۳: بهره پرداختی بابت سرمايه‌های خارجی ورودی به کشورهای در حال توسعه ۱۹۹۸ - ۱۹۸۹

سال	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸
بهره	۱۱/۵	۱۶/۳	۱۱/۷	۱۱/۱	۱۲/۶	۱۷/۸	۹۹/۹	۱۰۳/۶	۱۱۳/۷	۱۱۹/۲

مأخذ: IMF , World Economic Outlook , Oct . 1997 , Table 7 and A 31

در خلال نیمه دوم ۱۹۸۰ به طور خالص تقریباً ۲۰۰ میلیارد دلار از منابع کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند منتقل شده است. بدهی‌های انباشته این کشورها سبب ساز این انتقال ثروت است. بهره بدهی کشورهای فقیر، تنها برای سال ۱۹۸۹ مبلغ ۶۴ میلیارد دلار بوده است.^۲

در مورد مالیات نیز مشابه اشکال مزبور مطرح می‌باشد. طرفداران نظریه سرمايه‌گذاری خارجی می‌گویند با ورود سرمايه‌های خارجی و افزایش تولیدات، درآمد مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه نیز بیش‌تر خیالی است تا واقعی؛ زیرا صاحبان سرمايه‌های خارجی، ورود سرمايه خود را به بخشودگی‌های مالیاتی مشروط می‌نمایند.

وضعیت ایران و سرمايه‌گذاری خارجی

اکنون زمان آن فرا رسیده است که اقتصاد ایران را به لحاظ سرمايه‌گذاری خارجی از جنبه‌های متفاوت مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

جدول ۴ وضعیت ایران را با توجه به شاخص‌های مربوط به عوامل مکانی لازم برای جلب سرمايه‌گذاری ترسیم می‌نماید.

جدول ۴: عوامل مکانی جلب سرمایه خارجی و وضعیت ایران

وضعیت ما (مناسب +، نامناسب -)	اثر بر جلب سرمایه گذاری	عوامل مکانی
-	+	۱- ثبات سیاسی
-	+	۲- ثبات اقتصاد کلان
+	+	۳- دسترسی به منابع طبیعی
-	-	۴- محدودیت سهام
-	-	۵- کنترل ارز
-	+	۶- کارگر ارزان و منضبط
-	-	۷- محدودیت صادراتی
-	-	۸- محدودیت محتوای محلی
+	+	۹- دسترسی به کارآفرینان قوی محلی
+	+	۱۰- اندازه و رشد بازار
+	+	۱۱- کمی مسافت مکانی و هزینه حمل و نقل
+	+	۱۲- تعرفه و موانع دیگر حفاظتی
-	+	۱۳- دسترسی به اعتبار داخلی
-	-	۱۴- تشریفات اداری
-	+	۱۵- اجرای بیطرفانه قرارداد
-	+	۱۶- زیربنای توسعه یافته و ارزان
-	+	۱۷- تشابه فرهنگی با کشور تابع
-	+	۱۸- سطح بالای فن آوری

اولین ستون، عناوین عوامل هیجده گانه مکانی را در بردارد. ستون دوم، اثر هر یک از این عوامل را بر جلب سرمایه گذاری معلوم می‌کند. علامت مثبت ارتباط مستقیم تغییرات عامل مکانی و جلب سرمایه گذاری را نشان می‌دهد. علامت منفی بر ارتباط معکوس بین این دو دلالت دارد. ستون سوم نیز ترسیم وضعیت اقتصاد ایران را به عهده دارد. علامت

مثبت نشان دهنده مناسب بودن وضعیت کشور در جهت تأمین عامل مکانی مزبور است. چنان که ملاحظه می‌شود، ثبات سیاسی تأثیر مثبتی بر جذب سرمایه خارجی دارد، در حالی که وضعیت ایران مثبت نبوده و نامناسب است. در مورد ثبات اقتصاد کلان نیز همین شرایط را ملاحظه می‌کنیم. در مورد امکان دسترسی به منابع طبیعی، وضعیت ما مثبت (مناسب) می‌باشد. محدودیت سهام شاخص دیگری است که میزان سرمایه‌گذاری خارجی را تعیین می‌کند. این که ما اجازه دهیم سرمایه‌گذاری خارجی چه مقدار از سهام شرکت مشترک را مالک شود، مهم است. هر چه محدودیت بیش تر باشد، اثرش منفی تر است. در این زمینه نیز وضع ما خوب و مناسب نیست؛ زیرا اکنون این گونه است که سرمایه‌گذاران خارجی بیش تر از ۴۹٪ از سهام یک شرکت را نمی‌توانند مالک شوند. در «کنترل ارز» نیز هر قدر کنترل ارز بیش تر باشد، جلب سرمایه‌گذاری سخت تر می‌شود.

وضعیت ما از این حیث نیز نامناسب است. وجود کارگران منضبط و ارزان در یک محل نیز جاذبیت خاصی به آن مکان بخشیده و مشوق صاحبان سرمایه خارجی در جهت سوق دادن سرمایه به آن مکان است، که ایران وضع مناسبی ندارد. اندازه و رشد بازار نیز به این نکته توجه دارد که ظرفیت بازاری که به جذب سرمایه پرداخته است چه مقدار و رشد آن تا چه حد میسر است؛ در این باره وضعیت ایران مناسب و مثبت است. مسافت مکانی و هزینه حمل و نقل حاوی این پیام است که اگر مکان تولید تا بازار عوامل یا فروش محصول زیاد فاصله نداشته باشد، اثر مثبت بر جلب سرمایه‌گذاری دارد. ما نیز از این جهت در موقعیت مناسبی قرار داریم. تشابه فرهنگی با کشور تابع اثرش مثبت است. به طور نمونه، بین کشورهای اروپایی سرمایه‌گذاری راحت تر صورت می‌گیرد. به همین دلیل بخش عظیمی از سرمایه‌گذاری خارجی بین خود کشورهای صنعتی انجام می‌شود. در این مورد وضعیت ما به دلیل تشابه کم مثبت نیست.

در سطر ۹ جدول ملاحظه می‌کنید که وجود کارآفرینان قوی محلی، از عوامل مؤثر در تشویق ورود سرمایه به کشور میزبان است. امروزه کارآفرینان را از عوامل اصلی تولید و یکی از گران‌بهاترین آن‌ها می‌دانند. بین انواع سرمایه‌گذاران خارجی، دسته‌ای همواره این عامل کمیاب را در کشورهای دیگر جست‌وجو می‌کنند. به اینان کارآفرین جو گفته می‌شود. بحمدالله ایران به دلیل داشتن مدیران مبتکر و باهوش در بخش خصوصی از این حیث جاذبه دارد؛ مدیرانی که با وجود مشکلات فراوان همچنان در کشور تلاش می‌کنند. در این نوع جلب سرمایه، فن‌آوری که جزء مکمل مورد نیاز ماست، به خوبی جلب می‌شود و

وضعیت مدیران داخلی را ارتقا می‌بخشد و به همین دلیل ضریب اطمینان بقای فن‌آوری و رشد داخلی آن بالا می‌رود. طی سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۷۵ حداقل ۲۲ شرکت ایرانی بدون تضمین دولتی توانستند برای تولید محصولات سرمایه‌گذار خارجی بیابند. این تعداد و کل مبلغ جذب شده (۴۲/۵ میلیون دلار) ناچیز است، ولی جهت درستی را نشان می‌دهد که می‌توان آن را تسهیل کرد. نکته بدیهی آن است که کارآفرینان در بستر نامساعد قادر به ارائه ابتکار نیستند؛ بستر باید مهیا شود.

برخی از این موارد به دلیل این‌که به صورت مقررات قانونی‌اند، در کوتاه مدت قابل ترمیم هستند. برای نمونه، یکی از مقرراتی که صاحبان سرمایه نسبت به آن به شدت حساس‌اند، مقررات کار و استخدام است. قوانین کار در کشور ما محل سرمایه‌گذاری است و از جهات مختلفی، حتی تأمین‌کننده حقوق نیروی کار نیست؛ گرچه ظاهراً به نفع شاغلین موجود است. هر چه دیوار حفاظتی برای کارگران شاغل به ظاهر بیش‌تر باشد، ورود نیروی کار جدید نیز به حوزه اشتغال سخت‌تر می‌شود.

ساختارهای نا به سامان

تاکنون تلاش بر این بود که سیمای مختصری از وضعیت کشورمان در ارتباط با امکان جلب سرمایه خارجی به تصویر کشیده شود. اما باید توجه داشت که مشکلات بسیاری در مسیر سرمایه‌گذاری وجود دارد که هزینه عبور از آن‌ها هیچ‌گونه ارتباطی به داخلی یا خارجی بودن سرمایه ندارد و مشکل عمده در این مورد، مربوط به ثبات اقتصاد کلان است. بدیهی است اگر وضعیت اقتصادی به گونه‌ای باشد که صاحبان سرمایه داخلی تمایل به سرمایه‌گذاری داشته باشند، زمینه برای ورود سرمایه خارجی مساعدتر می‌شود. این در حالی است که گفته می‌شود هم‌اکنون سرمایه‌های داخلی بسیاری به کشورهای خلیج کوچ کرده و آشیانه می‌گیرند.

در صورتی که این جریان واقعیت داشته باشد، چه انتظاری می‌توان داشت که سرمایه خارجی، کشور ما را آرامکده مساعدی برای خود بیابد. بنابراین ادعای اصلی این است که مشکل اساسی اقتصاد نداشتن زیرساخت‌های مناسب برای اصل سرمایه‌گذاری است، نه فقدان بخش مکمل سرمایه، یعنی سرمایه خارجی.

موفقیت ما در جذب سرمایه‌های خارجی

در سال‌های ۱۳۶۹ - ۱۳۷۱ با شروع برنامه اول، واردات به مقدار زیادی افزایش یافت. این واردات با استفاده از معاملات نسبه صورت می‌گرفت که در سال ۱۳۷۱ با توجه به

سررسید برات‌ها و عدم پرداخت به موقع، بحران ارزی را به ارمغان آورد، به گونه‌ای که بدهی خالص خارجی را به مرز ۲۳ میلیارد دلار رساند. البته با در نظر گرفتن هزینه بهره و نیز استمهال این وام‌ها می‌توان گفت مقدار بدهی واقعی با رقم ۳۲ میلیارد دلار سازگارتر است، اما حتی با توجه به رقم ۲۳ میلیارد دلار باید گفت که طی سه سال مزبور، به طور متوسط سالانه تقریباً هشت میلیارد دلار سرمایه خارجی نصیب اقتصاد ایران گردیده است. اکنون لازم است برای مقایسه، موقعیت کشورهای بلوک شرق را از جهت جذب سرمایه خارجی مرور کنیم. خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۲۶ کشور بلوک شرق سابق، شامل روسیه، طی سال‌های ۱۹۹۱ - ۱۹۹۶ جمعاً ۴۲/۳ میلیارد دلار بوده که مبلغ ۶/۲ میلیارد دلار آن در روسیه بوده است.

جدول ۵: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (خالص) در اقتصادهای در حال گذار بلوک شرق سابق

جمع (میلیارد دلار)	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	
۴۲/۲۶۳	۱۱/۲۵۰	۱۳/۰۸۲	۵/۴۱۲	۵/۹۵۰	۴/۱۹۵	۲/۳۷۴	۲۶ کشور شامل (روسیه)
۶/۲۰۵	۲	۲	۰/۶۳	۰/۹	۰/۷	۰/۰۲۵	روسیه

مأخذ: Imf, World Economic Outlook, May 1997, Table 28.

چنان که ملاحظه می‌شود در سه سال ۱۹۹۱ - ۱۹۹۳ در ۲۶ کشور در حال گذار از جمله شوروی سابق، خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که مورد جذب قرار گرفته برابر ۱۲/۵ میلیارد دلار است. این در حالی است که در همین سال‌ها (۱۳۶۸ - ۱۳۷۱)، اقتصاد ایران به تنهایی ۲۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی دریافت کرده است. آیا این عقابان تیزچنگ بدون دلیل به سوی سرزمینی بال و پر می‌گشایند؟

بررسی متوسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب و سهم آن در کشورهای در حال توسعه وضعیت ایران را در موقعیت عملی جذب سرمایه‌های خارجی نمایان‌تر می‌سازد. چنان‌که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود در پنج سال ۱۹۹۰ - ۱۹۹۵ که شامل سه سالی است که در این جا مورد توجه قرار گرفته است، مالزی حدود ۴/۴ میلیارد دلار و سنگاپور ۴/۷۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده‌اند؛ یعنی

چنین نیست که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حتی در کشورهای دارای جاذبه مکانی بسیار مناسب، به وفور صورت گیرد.

جدول ۶: متوسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب و سهم آن در کشورهای در حال توسعه

کشور	۱۹۸۴-۱۹۸۹		۱۹۹۰-۱۹۹۵	
	جذب سرمایه (میلیون دلار) حال توسعه (درصد)	سهم در کشورهای در حال توسعه (درصد)	جذب سرمایه (میلیون دلار) حال توسعه (درصد)	سهم در کشورهای در حال توسعه (درصد)
بنگلادش	۱	ناچیز	۲۶	ناچیز
چین	۲۲۸۲	۱۰/۳	۱۹۶۳۵	۳۰/۶
هندوستان	۱۳۳	۰/۶	۵۱۶	۰/۸
مالزی	۷۹۸	۳/۶	۴۴۴۵	۶/۹
کره جنوبی	۵۹۲	۲/۷	۹۳۲	۱/۵
سنگاپور	۲۲۳۹	۱۰/۱	۴۷۸۵	۷/۵

مأخذ: Unctad, 1996.

مثال دیگر در این باره هند است که هیچ مشکلی با کشورهای مختلف جهان در ایجاد ارتباط ندارد. در سال ۱۹۹۸ این کشور جلب ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در برنامه داشت، اما فقط به کسب ۲/۳ میلیارد دلار از آن موفق می‌شود. در هر صورت به دلیل نابه‌سامانی‌های ساختاری ایران، ۲۳ میلیارد دلار مزبور فقط توانست برخی از حلقه‌های مفقود تولید را در کشور ما پر کند، اما این دستاورد با هزینه بسیار گرانی محقق شد. کشوری را که حدود ده سال متمادی بدون بدهی خارجی زندگی می‌کرد، با یک شیب بسیار تند به یک کشور بدهکار و دچار بحران تبدیل نمود. بنابراین تجربه به ما نشان داد که اگر اقتصاد ایران تنها مشکل مکمل سرمایه می‌داشت، ۲۳ میلیارد دلار مزبور باید انفجار رشدی را به همراه می‌آورد که چشم همگان را خیره می‌کرد. به طور خلاصه دو نکته مورد تأکید آن است که اولاً، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به راحتی صورت نمی‌گیرد و کشور ما وضعیت مناسبی از این حیث ندارد (جدول ۳) ثانیاً، به دلیل همین وضعیت نامناسب اقتصاد داخلی، مبالغ بسیار بیش‌تر از آن چه در بهترین شرایط کشورهای دیگر جذب کرده‌اند، وارد کشور شد ولی معجزه نیافرید.

درجه ریسک ملی و نظریه لزوم ارتباط با امریکا

روش دیگری که می‌توان با پی‌موندن آن به موقعیت ایران در امکان جلب سرمایه‌گذاری خارجی پی برد، توجه به درجه ریسک ملی ایران و اجزای آن است. جدول ۷ عهده‌دار این مطلب است:

جدول ۷: درجه ریسک ملی ایران و اجزای آن

(در سه ماهه دوم سال ۱۹۹۹ و مقایسه آن با سه ماهه اول)

درجه کل	امتیاز کل	ریسک سیاسی	ریسک سیاسی اقتصادی	ریسک ساختار اقتصادی	ریسک نقدینگی
سه ماهه دوم	D	۷۸	E	E	E
سه ماهه اول	E	۸۲	D	E	E

مأخذ: EIU, Country Risk Service, 2nd quarter, 1999.

رقم ۱۰۰ نمایان‌گر پرریسک‌ترین و رقم صفر نشانه کم ریسک‌ترین است. چنان‌که ملاحظه می‌شود در سه ماهه اول سال ۱۹۹۹ مطابق با زمستان ۱۳۷۷، درجه ریسک رقم ۸۲ را نشان می‌دهد در حالی که در سه ماهه دوم، مطابق با بهار ۱۳۷۸ به ۷۸ تنزل یافته است (البته بهبود مزبور به دلیل افزایش قیمت نفت است). از طرف دیگر ریسک مزبور شامل چهار مؤلفه اساسی یعنی ریسک سیاسی، ریسک سیاست اقتصادی، ریسک ساختار اقتصادی و ریسک نقدینگی است. سهم ریسک سیاسی در شاخص کلی ریسک ۲۲٪، ریسک سیاست اقتصادی ۲۸٪، ریسک ساختار اقتصادی ۲۷٪ و ریسک نقدینگی ۲۳٪ می‌باشد.

بنابراین، ریسک سیاسی در مجموع ۲۲٪ از کل ریسک را شامل می‌شود و مؤلفه‌های دیگر که اقتصادی است جمعاً ۷۸٪ ریسک را تشکیل می‌دهد. البته باید توجه داشت که این مقدار ریسک سیاسی نیز منحصرأ به روابط خارجی مربوط نیست، بلکه مؤلفه‌های زیادی از جمله ثبات داخلی و احتمال بروز جنگ را نیز شامل می‌شود.

بنابراین استدلال عده‌ای که هموارکردن جاده ارتباط با امریکا را مهم‌ترین مقدمه لازم برای اشتغال و تولید می‌دانند، مورد خدشه قرار می‌گیرد. جدول مقایسه ریسک‌ها (جدول ۸) روش مناسبی برای رسیدن به نتیجه مزبور می‌باشد.

جدول ۸: مقایسه ریسک ایران با چند کشور منتخب (سه ماهه چهارم ۱۹۹۸)

ریسک کشور	ریسک ملی (A-E)	درجه ریسک (۰-۱۰۰)	امتیاز ریسک سیاسی	ریسک ساختار اقتصادی	ریسک اقتصادی	ریسک نقدینگی
امارات	B	۳۵	C	B	B	B
مصر	B	۴۰	C	B	C	A
عمان	C	۴۸	B	B	C	D
کویت	C	۴۹	C	C	C	C
لبنان	C	۴۹	D	C	C	A
عربستان	C	۵۷	D	C	C	D
سوریه	D	۷۶	E	D	E	D
ایران	D	۸۰	D	E	D	E
سودان	E	۹۱	E	E	D	E
عراق	E	۹۹	E	E	E	E
متوسط منطقه‌ای	C	۵۸	D	C	C	C

مأخذ: همان.

چنان که ملاحظه می‌شود ایران از جهت ریسک، قبل از سودان و عراق قرار گرفته و درجه‌ای برابر ۸۰ (از ۱۰۰) را به خود اختصاص داده است. در مورد ریسک سیاسی، ایران و عربستان هر دو حائز درجه D هستند. این درحالی است که ارتباط سیاسی ایران و عربستان با آمریکا صددرصد ضد یکدیگر است. وزن اصلی ریسک، مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی است که به نوع مدیریت و ساختار اقتصادی برمی‌گردد، و چنان‌که ملاحظه می‌شود ریسک سیاسی نیز بیش‌تر به مقولاتی غیر از ارتباطات سیاسی خارجی مربوط است. بنابراین مدافعان تجدید ارتباط با آمریکا باید به دنبال دلایل دیگری برای اثبات نظر خویش باشند؛ چرا که مقوله سرمایه‌گذاری خارجی چنین ادعایی را مدلل نمی‌سازد.

جذابیت محیط اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی

نتیجه مذکور از طریق دیگری نیز قابل حصول است. مقایسه رتبه «جذابیت محیط اقتصادی» ایران با سایر کشورها شاخص مناسبی برای بررسی مجدد وضعیت ایران از جهت سرمایه‌گذاری خارجی است. جدول ۹ این وضعیت را ترسیم می‌کند.

جدول ۹: مقایسه رتبه «جذابیت محیط اقتصادی» ایران با سایر کشورها

رتبه منطقه‌ای (از بین ۸ کشور) ۱۹۹۸-۱۹۹۹ ۲۰۰۳-۱۹۹۹	رتبه جهانی (از بین ۶۰ کشور) ۱۹۹۸-۱۹۹۹ ۲۰۰۳-۱۹۹۹	امتیاز عددی (حداکثر ۱۰ امتیاز)		معیار
		۱۹۹۸-۱۹۹۹	۲۰۰۳-۱۹۹۹	
۷	۷	۵۹	۵۸	موقعیت کلی جذابیت محیط اقتصادی
۵	۶	۵۳	۵۵	وضعیت سیاسی
۳	۴	۴۹	۵۴	ثبات سیاسی
۶	۶	۵۲	۵۳	تأثیر سیاسی
۵	۶	۴۶	۴۳	وضعیت اقتصاد کلان
۴	۴	۴۳	۴۵	فرصت‌های بازار
۷	۶	۵۹	۵۷	سیاست‌های در پیش‌گرفته درباره بنگاه‌های خصوصی و رقابتی
۷	۷	۵۹	۵۹	سیاست‌های اتخاذ شده در ارتباط با سرمایه‌گذاری خارجی
۷	۷	۵۹	۵۹	تجارت خارجی و کنترل‌های ارزی
۷	۷	۵۹	۵۹	مالیات
۶	۶	۵۸	۵۶	سیستم مالی
۷	۷	۵۹	۵۹	بازار کار
۵	۵	۵۳	۴۸	زیر ساخت اقتصادی

مأخذ: همان.

موقعیت کلی جذابیت اقتصادی کشور ما در دوران ۱۹۹۴ - ۱۹۹۸ برابر ۳/۰۳ بوده، اما پیش‌بینی شد که در سال‌های ۱۹۹۹ - ۲۰۰۳ این مقدار به ۳/۵۴ برسد. طبق پیش‌بینی مزبور رتبه ما در بین شصت کشور جهان از ۵۸ به ۵۹ تنزل خواهد کرد و در بین هشت کشور منطقه بر رتبه هفتم باقی خواهیم ماند. در جدول به روشنی آشکار می‌شود که وضع مؤلفه‌های سیاسی از اغلب مؤلفه‌های اقتصادی بهتر است؛ یعنی آن‌چه باید تغییر یابد در

درجه اول عینیت‌های نامطلوب اقتصادی است.

مؤسسه اطلاعات درجه‌بندی و سرمایه‌گذاری ژاپن این نتیجه را به گونه‌ای دیگر تبیین

نموده است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: امتیاز و درجه‌بندی کشورهای منتخب از لحاظ شاخص‌های تأثیرگذار بر ریسک ملی

(در نیمه اول سال ۱۹۹۹)

عراق	پاکستان	ایران	سريلانكا	ترکیه	مصر	عمان	امارات	شیلی	سنگاپور	شاخص
۲(E)	۳/۵(D)	۴/۴(D)	۴/۱(D)	۴/۶(D)	۵/۵(C)	۵/۵(C)	۶/۱(C)	۶/۸(C)	۹/۳(A)	مشکلات عمده اقتصادی
۲(E)	۳/۳(D)	۴/۳(D)	۴(D)	۴/۴(D)	۵/۶(C)	۵/۹(C)	۶(C)	۷/۵(B)	۹/۴(A)	اثر بخشی سیاست‌های پولی
۲/۳(E)	۲/۸(E)	۴/۱(D)	۴/۳(D)	۴/۳(D)	۴/۶(D)	۵/۹(C)	۶/۴(C)	۶/۶(C)	۹/۵(A)	وضعیت تراز پرداخت‌ها
۲(E)	۲/۸(E)	۴(D)	۴/۱(D)	۴/۵(D)	۵/۶(C)	۶(C)	۶/۹(C)	۷/۴(B)	۹/۹(A)	قابلیت بازپرداخت بدهی‌ها
۲(E)	۳/۹(D)	۳/۸(D)	۴/۶(D)	۶/۱(C)	۶/۱(C)	۶(C)	۶/۳(C)	۷/۵(B)	۹/۹(A)	وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی
۲(E)	۳/۱(D)	۳/۶(D)	۴(D)	۳/۸(D)	۵/۵(C)	۵/۸(C)	۶/۱(C)	۶/۱(C)	۷/۹(B)	وضعیت سیاست ارزی
۲/۶(E)	۴/۱(D)	۵/۳(C)	۴/۶(D)	۴/۱(D)	۶/۸(C)	۷/۴(B)	۷/۴(B)	۷/۸(B)	۹/۴(A)	درجه ثبات سیاسی
۲/۱(E)	۴/۱(D)	۴/۴(D)	۵(C)	۵(D)	۶/۶(C)	۶/۸(B)	۷(B)	۷/۸(B)	۹/۶(A)	ناسازگاری در سیاست‌ها
۲/۳(E)	۴/۱(D)	۴/۳(D)	۵/۹(C)	۶/۸(C)	۶/۳(C)	۷/۶(B)	۷/۸(B)	۸(B)	۹/۶(A)	بی‌نظمی اجتماعی
۲(E)	۴/۳(D)	۵/۳(C)	۶(C)	۶/۶(C)	۶/۶(C)	۷(C)	۶/۵(C)	۸/۱(B)	۹/۹(A)	احتمال بروز جنگ
۲(E)	۳/۹(E)	۳/۶(D)	۴/۳(D)	۴/۸(D)	۵/۴(C)	۶/۱(C)	۶/۴(C)	۷/۸(B)	۹/۹(A)	ریسک ملی

مأخذ: Japan Rating and Investment Information, Inc.

در جدول شماره ۱۰، نزدیک شدن به رقم ۱۰ و درجه A، ریسک کمتر یا وضع مطلوب‌تر را نشان می‌دهد و با توجه به این جدول می‌توان گفت به لحاظ درجه ثبات سیاسی، ما دارای امتیاز ۵/۳ [C] بوده و از ترکیه و پاکستان فراتر هستیم، اما در مورد ناسازگاری در سیاست‌ها و نیز بی‌نظمی اجتماعی، دارای رتبه D هستیم. از جهت اثر بخشی سیاست پولی و وضعیت تراز پرداخت‌ها ایران در رتبه D قرار گرفته است؛ یعنی نزدیک به کف.

مقایسه ریسک ملی ایران با کشورهای دیگر

مطلب دیگری که می‌تواند راهگشای تعیین وضعیت اقتصاد ملی ما در این زمینه باشد، جدول مربوط به مقایسه ریسک ملی ایران با کشورهای منتخب است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: مقایسه ریسک ملی ایران با کشورهای منتخب (در نیمه اول سال ۱۹۹۹)

کشور	رتبه		درجه		امتیاز	
	نیمه اول ۱۹۹۹	نیمه اول ۱۹۹۸	نیمه اول ۱۹۹۹	نیمه اول ۱۹۹۸	نیمه اول ۱۹۹۸	نیمه اول ۱۹۹۹
سنگاپور	۱	۱	A	A	۹/۹	۹/۹
شیلی	۲۳	۲۳	B	B	۷/۹	۷/۸
امارات	۳۰	۳۱	C	C	۶/۱	۶/۴
عمان	۳۶	۳۶	C	C	۶/۰	۶/۱
مصر	۵۲	۴۹	C	C	۵/۵	۵/۴
ترکیه	۵۵	۵۳	D	D	۴/۸	۴/۸
سريلانكا	۶۰	۶۹	D	D	۴/۱	۴/۳
ایران	۷۴	۷۳	D	D	۳/۹	۳/۶
پاکستان	۸۷	۸۴	E	E	۳/۲	۲/۹
عراق	۹۸	۹۸	E	E	۲/۰	۲

مأخذ: همان.

چنان‌که ملاحظه می‌گردد، وضعیت ما در سال ۱۹۹۹ از ۱۴۶۸ بدتر و ریسک ملی از ۷۳ به ۷۴ نزدیک‌تر شده است. (هر قدر به ۱۰۰ نزدیک‌تر شویم وضعیت بدتر خواهد شد). قابل توجه است که از حیث ریسک سیاسی، ایران، سريلانكا و ترکیه در یک درجه (D) قرار دارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دفاع از سرمایه‌گذاری خارجی، در وضعیتی که سرمایه‌گذاری داخلی دچار تنگنا و مشکل است، وجه علمی ندارد. مشکل اصلی کشور ما موانعی است که بر سر راه

سرمایه‌گذاری وجود دارد. تا این بستر مساعد نشود، اصرار بر جلب سرمایه خارجی به نتیجه ملموسی منجر نخواهد شد؛^۳ مگر آن‌که هزینه سنگین سیاسی و اقتصادی برای آن پذیرفته شود.

از سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان مکمل کمبود مقدار یا نقص کیفیت سرمایه‌گذاری داخلی دفاع شده است. گرچه تجربه‌ها عموماً تلخ بوده و ورود سرمایه خارجی به نتایج پیش‌بینی و تبلیغ شده نینجامیده است، ولی در کشورهای موفق، میزبان، شرایط را ابتدا مهیا و بستر را برای سرمایه‌گذاری مساعد ساخته است. از میان انواع سرمایه‌گذاری خارجی، نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که در جست‌وجوی کارآفرینان محلی قوی وارد کشور شوند، کم‌خطرترین و مفیدترین نوع آن به نظر می‌رسد. کشور ما از این حیث وضع مساعدی دارد. اما رشد کارآفرینی (Enter Preneurship)، به عنوان موتور محرکه توسعه نیز به بسترهای مساعد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محتاج است؛ نقص‌هایی که هنوز اصلاح نشده است^۴ و به نظر می‌رسد اصرار سال‌های اخیر بر این امر، بیش از آن‌که دلیل اقتصادی داشته باشد، به دلیل اهداف سیاسی صورت می‌گیرد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پی‌نوشت‌ها:

1. Unctad, 1999.

۲. ر.ک. گریفین، و ت. مک کنلی، توسعه انسانی، دیدگاه و راهبرد، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور (تهران، وداد، ۱۳۷۷) ص ۱۰۹ - ۱۰۸.

۳. در حال حاضر ذخایر ارزی کشورمان مرتباً رو به افزایش است و کمبود سرمایه نداریم. مبالغی هم که به عنوان وام به صنعت پیشنهاد می‌گردد، متقاضی چندانی ندارد و از سرمایه‌گذاری‌های خارجی مصوب سال ۱۳۷۹ تنها ۸/۶ درصد محقق شده یا در دست اجراست. برای اطلاع بیش‌تر ر.ک: وزارت صنایع و معادن، خلاصه عملکرد سال ۱۳۷۹ وزارت صنایع و معادن (تهران، ۱۳۸۰) ص ۲۸.

۴. مجله تخصصی اقتصاد ایران، ضمن دفاع از جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به درستی هشدار داده بود که این‌کار بدون اصلاحات ضروری پیشنهاد، خطر تکرار وضعیت روسیه را برای ایران در پی دارد؛ وضعیتی که بدهی خارجی فزاینده، همراه با فساد و ناکارآمدی، همچون گردابی اقتصاد و جامعه را در خود فرو خواهد برد.